# حدیث رفع در نوادر

چهار روایت از روایات حدیث رفع، در نوادر حسین بن سعید وارد شده ولی مشکل واحد این روایات ارسال است. به نظر می رسد علت اصلی ارسال از ناحیه ناسخ بوده و به علتی مانند سرعت در استنساخ، تنها چند روایت از روایات باب را با سند کامل آورده و سند روایات دیگر را حذف کرده و به روای مباشر اکتفا کرده است. در دیدگاه ما روایات کتاب نوادر حسین بن سعید، در اصل روایاتی مسند بوده و علت ارسال به حسین بن سعید بازگشت ندارد زیرا؛ عین همین روایات را شیخ طوسی در تهذیب با همین ترتیب به صورت مسند نقل کرده که نشانگر وجود سند در نسخه اصلی کتاب حسین بن سعید که در اختیار شیخ بوده است، می باشد. این سخن در تفسیر عیاشی نیز جاری است و ناسخ به علتی که حقیقت آن برای ما روشن نیست، همه اسناد را حذف کرده است در حالی که در نوادر برخی از اسناد حذف شده و برخی کامل نقل شده است.

این چهار سند عن اسماعیل جعفی رقم 157 و عن ربعی رقم 158 و عن الحلبی رقم 150 و عن ابی الحسن رقم 160 می باشد. البته روایت ابی الحسن در محاسن به سند صحیح نقل شده و نیازمند بحث جدی نمی باشد اما سه روایت دیگر نیازمند بحث سندی در جهت تصحیح آنها می باشد.

## تصحیح مرسلات با حساب احتمالات

شهید صدر در بحث مرسلات ابن ابی عمیر که موارد نقضی برای لا یروی و لا یرسل الا عن ثقه بیان شده، می فرمایند: با وجود موارد نقض اما بازهم می توان اثبات اطمینان به ثقه بودن مروی عنه داشت زیرا؛ تعداد پایین مشایخ ضعیف در بین مشایخ ابن ابی عمیر و کثرت مشایخ ثقه در این بین، احتمال ضعیف بودن مروی عنه در مرسلات را به حدی پایین می آورد که اطمینان به ثقه بودن برای انسان ایجاد می شود.

در این استدلال نکاتی قابل طرح است که در نحوه نتیجه گیری اهمیت دارد؛

### اهمیت محاسبه تعداد روایات مشایخ

به نظر می رسد در محاسبه تنها نباید به تعداد مشایخ بسنده کرد و باید تعداد روایت هر شیخ نیز در محاسبه ملاحظه شود. مثلا اگر مجموعه روایات ابن ابی عمیر، ده هزار روایت از صد شیخ باشد، امکان دارد روایات نقل شده از ثقه بیشتر از روایات نقل شده از ضعیف باشد یا بالعکس و هر یک در نتیجه تأثیر متفاوتی دارد.

### اهمیت کشف علت ارسال

نکته دومی که شهید صدر نیز بدان اشاره کرده است این است که امکان دارد نسبت روایت های مرسل به تمام مشایخ یکسان نبوده و مثلا نفس مجهول گذاشتن نام مروی عنه به علت عدم اعتنای به او بوده و همین موجب می شود احتمال ثقه بودن راوی مجهول بسیار پایین تر از ضعیف بودن راوی مجهول باشد. در نتیجه همانگونه که حاج آقا نیز مطرح کرده اند، کشف عامل ارسال بسیار مهم است.

#### عامل ارسال در روایات ابن ابی عمیر

علت اصلی ارسال در روایات ابن ابی عمیر از بین رفتن کتب ابن ابی عمیر می باشد و اینکه ابن ابی عمیر بعد از آزادی از زندان، با تکیه بر حافظه روایات را از امام نقل کرده در حالی که نام روات در ذهن او باقی نمانده است. در این عامل ارسال، تفاوتی بین راوی ثقه و غیر ثقه وجود ندارد و همانگونه که روایت راوی ثقه به علت باران از بین رفته است، روایت راوی غیر فقه نیز نابود شده است و نسبت بین این دو در این عامل طبیعی مساوی می باشد و احتمال از بین رفتن روایات ضعیف یا صحیح به تنهایی بسیار مستبعد و خلاف عادت است.

در نتیجه این راهکار شهید صدر برای تصحیح روایات مرسل راهکاری است که نیازمند بررسی بیشتر بوده تا بتوان محاسبه ای نزدیک تر به واقع را ارائه داد.

این بیان شهید صدر در مرسلات ابن ابی عمیر الهام بخش راه هایی برای تصحیح سایر مرسلات بود که در فقه به صورت مفصل دو مورد از آنها (مقطوعه ابن اذینه در ارث زوجه با پذیرش روایت بودن آن و معلی بن محمد عن بعض اصحابنا و عن بعض اصحابه عن ابان بن عثمان) بحث شد.

در مقطوعه ابن اذنیه با پذیرش روایت بودن آن با توجه به اینکه معمول روایت های ابن اذنیه از امام روایت های صحیحی است، شاید بتوان ادعا کرد ظن قوی یا حتی اطمینان به این وجود دارد که این روایت مرسل نیز از ثقه می باشد هر چند نمی توان مروی عنه را شناخت.

در رابطه با معلی بن محمد عن بعض اصحابنا و عن بعض اصحابه این احتمال مورد بررسی قرار گرفت که ممکن است گفته شود، مراد از بعض اصحابنا و بعض اصحابه حسن بن علی الوشاء است.

در مرسلات کتاب حسین بن سعید نیز شبیه به همین بیان قابل جریان است با این تفاوت که این مبحث از مرسلات ابن ابی عمیر و دو مثال دیگر بسیار آسان تر است زیرا مرسِل در کتاب حسین بن سعید خود راوی نبوده و ناسخ می باشد برخلاف آن موارد که مرسِل ابن ابی عمیر، معلی بن محمد یا ابن اذینه بوده یا حداقل در مجامع روایی به صورت مرسل وارد شده و احتمال اینکه مرسِل خود راوی باشد بسیار قوی می باشد اما اصل کتاب حسین بن سعید مسند بوده و حذف سند از ناحیه ناسخ صورت گرفته نه از ناحیه حسین بن سعید.

با این تفاوت برخی از مشکلات مطرح شده در موارد سابق خود به خود رفع می شود مثلا در موارد سابق این مشکل وجود داشت که در فرضی که مرسِل خود راوی باشد احتمال اینکه ارسال به واسطه بی اعتنایی به مروی عنه و ضعیف دانستن آن باشد، احتمال معقولی بوده و برای دفع آن باید علت ارسال کشف شود تا شاید بتوان به نحوی این اشکال را دفع کرد اما در کتاب حسین بن سعید این احتمال قطعا مردود بوده و مرسِل حسین بن سعید نیست تا وجه ارسال بی اعتنایی به مروی عنه باشد. در نتیجه حساب احتمالات در کتاب حسین بن سعید برای دفع ضعیف بودن راوی مجهول، بسیار سودمند تر از حساب احتمال در موارد پیشین است.

### کشف واسطه بین حسین بن سعید و اسماعیل جعفی

برای تصحیح روایت مرسله اسماعیل جعفی و ربعی بن عبد الله، واسطه بین حسین بن سعید و این دو را بررسی کرده در صورتی که اکثریت قاطع واسطه ها ثقه بودند، می توان حکم کرد به احتمال زیاد قریب به یقین در این مورد نیز واسطه ثقه می باشد.

#### تفاوت حساب احتمالات در ارسال از ناحیه راوی و ارسال از ناحیه ناسخ

در جایی که مرسل خود راوی باشد، ورود واسطه به اشکال مختلف[[1]](#footnote-1) و لو همه ثقه باشند، مانع اطمینان به ثقه بودن واسطه در این مورد می شود اما در جایی که مرسل راوی نباشد، وجود واسطه به اشکال مختلف که همگی ثقه هستند به اطمینان به ثقه بودن واسطه در روایت مرسل، خدشه وارد نمی کند.

توضیح؛ به نظر می رسد بر خلاف مقطوعه ابن اذنیه در این موارد تفاوتی در این وجود ندارد که در اکثر موارد واسطه واحد ثقه بوده یا افراد مختلفی باشند که همگی ثقه هستند. زیرا در مواردی مانند مقطوعه ابن اذنیه که مرسِل خود راوی است، اگر واسطه بین ابن اذنیه و امام معصوم واحد نبوده و به اشکال مختلفی این روایت مشاهده شده باشد، امکان این که واسطه شخصی دیگری خارج از وسایط مشاهده شده بوده و ارسال از روی بی اعتنای به مروی عنه باشد، احتمال ضعیفی نیست بر خلاف این که واسطه تنها واحد باشد که در این فرض، اطمینان به این وجود دارد که در روایت مرسَل نیز راوی همان شخص ثقه می باشد. از همین رو در رابطه با معلی بن محمد عن بعض اصحابنا او بعض اصحابه عن ابان بن عثمان، چون تمام مواردی که واسطه بین این دو ذکر شده است حسن بن علی وشاء می باشد، می توان ادعای اطمینان کرد که در این مورد نیز واسطه همان حسن بن علی وشاء است. البته این بحث تأملاتی دارد که وارد آن نمی شویم.

اما در جایی که ارسال از راوی یا مؤلف کتاب نیست و در اثر حذف ناسخ ارسال پدید آمده است، وجود واسطه به یک شکل یا اشکال متعدده که همگی ثقه هستند، هیچ تفاوتی ندارد.

#### تطبیق حساب احتمالات در سندهای مورد بحث

همانگونه که بیان شد چهار نقل از نقل های حدیث رفع، در نوادر حسین بن سعید به صورت مرسل نقل شده است. در یک نقل راوی مباشر ربعی بن عبد الله، در نقل دیگر اسماعیل جعفی، در روایتی دیگر حلبی و در یک سند ابی الحسن می باشد. واسطه بین حسین بن سعید و اسماعیل جعفی، به اشکال مختلفی است که هر یک چند روایت وجود دارد و واسطه حسین بن سعید و ربعی، در 30 مورد از 34 مورد حماد بن عیسی می باشد. امکان دارد گفته شود؛ بین این دو مورد تفاوت وجود داشته و در مورد ربعی می توان صحت واسطه را کشف کرد اما در اسماعیل جعفی نمی توان صحت مرسله را نتیجه گرفت.

اما به نظر می رسد همانگونه که بیان شد؛ چون مرسِل راوی یا مؤلف کتاب نمی باشد، هیچ تفاوتی در نتیجه حساب احتمالات بین این دو در تصحیح روایت نبوده و تنها در مورد ربعی این ادعا قابل بررسی است که واسطه بین حسین بن سعید و ربعی در این مرسله نیز حماد ین عیسی می باشد.

##### واسطه بین حسین بن سعید و اسماعیل جعفی

واسطه بین حسین بن سعید و اسماعیل جعفی به یازده شکل در اسناد وارد شده است که غالب این موارد دو واسطه ای می باشد، یک مورد سه واسطه ای و یک مورد تک واسطه ای می باشد که در آن مورد نیز ظاهرا سقط رخ داده است. این مورد، قاسم بن محمد واسطه شده[[2]](#footnote-2) که ظاهرا عن ابان سقط شده است. با دقت در راوی و مروی عنه این مطلب صحیح به نظر می رسد و به نظرم محقق خوئی نیز سقط ابان را استظهار کرده اند.

###### اشکال واسطه بین این دو

1. فضاله بن ایوب و القاسم بن محمد عن ابان.[[3]](#footnote-3) این طریق با توجه به ثقه بودن فضاله و ابان معتبر است و لو قاسم بن محمد را واقفی بدانیم زیرا ما او را ثقه می دانیم.
2. ابن ابی عمیر عن حماد بن عیسی[[4]](#footnote-4) این طریق نیز صحیح است.
3. القاسم بن محمد الجوهری عن ابان بن عثمان که در دو مورد وارد شده است.[[5]](#footnote-5) این طریق چون نمی توان امامی بودن قاسم بن محمد جوهری را اثبات کرد، موثقه می باشد. همانگونه که در بالا بیان شد، القاسم بن محمد نیز با استظهار سقط ابان از همین موارد است.
4. احمد بن عبدالله الغروی عن ابان بن عثمان که در سه مورد[[6]](#footnote-6) وارد شده است. این طریق به علت عدم شناخت احمد بن عبدالله غروی ضعیف است.
5. ابن ابی عمیر عن احمد بن محمد عن جمیل بن دراج که عن مصحف واو است. این طریق در دو مورد[[7]](#footnote-7) نقل شده که در یک مورد با واو نقل شده و در یک مورد با عن نقل شده که همان واو صحیح است که در مورد دوم به احمد بن محمد به ابن ابی عمیر عطف شده و احمد بن محمد معطوف به ابن ابی عمیر، بزنطی است. این روایت هم صحیح است.
6. فضاله بن ایوب عن ابان بن عثمان[[8]](#footnote-8) این هم صحیحه است.
7. النضر عن یحیی الحلبی عن ابن مسکان[[9]](#footnote-9) که این هم صحیحه است.
8. صفوان عن جمیل بن دراج و ابن ابی نجران عن محمد بن حمران جمیعا عن اسماعیل الجعفی[[10]](#footnote-10) این سند تحویلی است. یعنی حسین بن سعید یکی به طریق صفوان از جمیل بن دراج و یکی هم به طریق ابن ابی نجران عن محمد بن حمران نقل می کند. در محمد بن حمران بحث هایی وجود دارد اما به علت صحت طریق دیگر، این شکل از واسطه نیز صحیح است.
9. احمد بن محمد عن جمیل بن دراج[[11]](#footnote-11) که در دو مورد وارد شده است. احمد بن محمد، بزنطی است و این طریق هم صحیحه است.
10. الحسن عن القاسم عن ابان[[12]](#footnote-12) حسن، حسن بن سعید برادر حسین بن سعید است. قاسم هم همان قاسم بن محمد جوهری واقفی است و ابان هم ابان بن عثمان است. پس این طریق موثقه است.
11. همان روایتی که القاسم بن محمد واسطه بود که بیان شد؛ ابان سقط شده و این طریق نیز موثقه می باشد.

این موارد تنها در تهذیب است و در استبصار به علت تکراری بودن غالب روایات امکان وجود طریق دیگری غیر از این موارد، بعید به نظر می رسد. با در نظر گرفتن تعداد روایات، 17 طریق واسطه وجود دارد که 10 طریق صحیحه، چهار طریق موثقه و سه طریق که احمد بن عبد الله الغروی است، ضعیفه می باشد. در نتیجه مجموعه صحیحه و موثقه، چهارده هفدهم است که حدودا هشتاد و دو درصد می­باشد و مجموعه روایات صحیحه ده هفدهم و حدود 58 درصد می باشد. در نتیجه چون روایت هجدهم نیز به همین نسبت بوده حکم به صحت روایت مرسله ممکن نیست و حکم به اعتبار اعم از صحیحه و موثقه، اطمینان بخش نیست مگر اینکه با انسداد، ظن در سند را حجت بدانیم.

## بحث های آینده

روایت ربعی بن عبدالله و روایت حلبی در جلسه آینده بررسی خواهد شد و در آنها مانند همین شیوه ای که در روایت اسماعیل جعفی بیان شد، اعمال خواهد شد. هر چند در ربعی بن عبد الله بحث خاصی در منبع روایت وجود دارد و امکان دارد این روایت را از کتاب حماد بن عیسی بدانیم. مفصل این بحث در کتاب توضیح الاسناد جلد 1 صفحه 143 وارد شده است که در جلسه آینده چکیده آن را بیان خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. مراد از اشکال مختلف، وسایط مختلف نیست بلکه مراد این است که در تمام اشکالی که بین این دو راوی، واسطه ای ذکر شده است ثقه می باشد. مثلا بین این دو راوی، دو واسطه معطوف به هم واقع شده است که یکی ثقه و دیگری ضعیف می باشد در این فرض هر چند واسطه بین این دو راوی همگی ثقه نیستند اما این طریق واسطه، معتمد بوده و وجود راوی ضعیف معطوف به راوی ثقه، در حساب احتمالات وارد نمی شود. به عنوان نمونه اگر در یکی از وسائط بین حسین بن سعید و اسماعیل جعفی، فضاله بن ایوب و القاسم بن محمد عن ابان واسطه باشد، تمام وسائط به علت وجود قاسم بن محمد ثقه نیست اما تمام طرق واسطه معتمد است زیرا در این مورد نیز طریق واسطه معتمد است.

   به همین علت استفاده از قسمت ارتباط برنامه درایه النور برای شناخت وسائط در تصحیح مرسلات سودمند نیست زیرا در برنامه درایه النور به خاطر جداسازی راوی و مروی عنه این سندهای تحویلی جداگانه وارد شده و مانع حکم به صحت واسطه می باشد. [↑](#footnote-ref-1)
2. تهذیب الاحکام؛ ج 9، ص: 150، رقم 613 [↑](#footnote-ref-2)
3. نوادر الحکمه؛ ص:66، رقم 124. [↑](#footnote-ref-3)
4. امالی صدوق؛ مجلس 38، رقم 6. [↑](#footnote-ref-4)
5. تهذیب الاحکام؛ ج 1، ص: 171، رقم 488 و ج 2، ص: ،92 رقم 343 [↑](#footnote-ref-5)
6. تهذیب الاحکام؛ ج 2، ص: 176، رقم 702 و ج 3، ص: 132، رقم 288 و ص: 178، رقم 702، [↑](#footnote-ref-6)
7. تهذیب الاحکام؛ ج 8، ص: 61، رقم 198 و ص: 70، رقم 231 [↑](#footnote-ref-7)
8. تهذیب الاحکام؛ ج 3، ص: 16، رقم 57 و ج 10، ص: 162، رقم 649 [↑](#footnote-ref-8)
9. تهذیب الاحکام؛ ج 3، ص: 29، رقم 97 [↑](#footnote-ref-9)
10. تهذیب الاحکام؛ ج 5، ص: 87، رقم 290 [↑](#footnote-ref-10)
11. تهذیب الاحکام؛ ج8، ص: 70، رقم 231 و 234 [↑](#footnote-ref-11)
12. تهذیب الاحکام؛ ج8، ص: 323، رقم 1199 [↑](#footnote-ref-12)